



بررسی چگونگی تخریب انقلاب اسلامی در یک دهه اخیر

سینمای سیاسی غرب

رضافرخی^۱، اردشیر سنایی^۲، رضا جلالی^۳، سید علی طباطبایی پناه^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۵

چکیده:

در چندین دهه اخیر در جهت توجیه رفتارهای کشورهای غربی علیه ایران، سینمای سیاسی غرب ارزش‌های انقلاب اسلامی را مورد هدف قرار داده و به دنبال تخریب آنها در افکار عمومی جهان بوده است. در این راستا در آثار تولید شده در سینمای سیاسی غرب در یک دهه اخیر شاهد تلاش برای ارائه تصویری مطابق با خواست سیاستمداران غربی از ارزش‌های انقلاب اسلامی بوده ایم. این مقاله با هدف بررسی همین فرآیند وارونه‌نمایی ارزش‌های انقلاب اسلامی و تخریب آنها در سینمای سیاسی غرب نگرارش درآمده است. سوال اصلی این پژوهش این است که سینمای سیاسی غرب در چند سال اخیر در راستای تخریب انقلاب اسلامی ایران چه موضوعاتی را مورد توجه قرار داده است؟ پیام تصویری که از ایران پس از انقلاب در سینمای غرب ارائه می‌شود برای مخاطب جهانی آن چیست؟ فرضیه مقاله این موضوع می‌باشد که سینمای سیاسی غرب در چندین دهه گذشته سعی کرده با ارائه تصویری منفی از ایران پس از انقلاب، به تخریب پدیده انقلاب اسلامی ایران و ارزش‌های آن بپردازد. در این مقاله از نظریه برجسته‌سازی به عنوان نظریه پژوهشی و از روش تحلیل مضمون بهره برده شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که موضوعات متعددی درباره انقلاب اسلامی و ایران پس از انقلاب در سینمای سیاسی غرب و محصولاتش در یک دهه اخیر مطرح شده است. از جمله این موضوعات می‌توان به افزایش فقر و عقب ماندگی پس از انقلاب اسلامی، ایجاد فشار بر جامعه زنان و سلب آزادی آنها و افزایش فشر بر جامعه جوان و ایجاد افسردگی در میان آنها، ایجاد فضای سیاسی بسته و عامل انسداد سیاسی و تبدیل ایران به عاملی برای تهدید صلح جهانی و یهودی ستیزی اشاره کرد.

واژگان اصلی: سینمای سیاسی، افکار عمومی، رسانه، خشونت سیاسی، انقلاب اسلامی

۱ - دانشجوی دکتری روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ - دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

ardeshir_sanaie@yahoo.com

۳ - استاد گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴ - استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. مقدمه :

عصر امروز که بسیاری آن را عصر انفجار اطلاعات و حکمرانی رسانه‌ها بر افکار عمومی می‌دانند، تصمیم‌گیرندگان سیاسی نمی‌توانند افکار عمومی را نادیده بگیرند. چرا که به دلیل دسترسی سریع به اطلاعات و اخبار و تحلیل‌ها هر گونه تصمیمی که از سوی افکار عمومی در جهان حمایت و پشتیبانی نشود شکست می‌خورد و یا در حالت خوش‌بینانه با هزینه‌های زیادی عملی خواهد شد. در واقع اهمیت افکار عمومی و تاثیر آن در تصمیم‌گیری‌ها به اندازه‌ای است که بسیاری از سیاستمداران برای پیشبرد اهداف خود به شکل کاملاً ابزاری و آشکار از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. در همین راستا وقتی سیاستمداران و دست‌اندرکاران کشورهای بزرگ تصمیم به ارائه تصویری از یک پدیده به افکار عمومی جهان می‌گیرند بهترین مسیر بهره‌گیری از رسانه‌های فراگیر است. یکی از این رسانه‌های فراگیر، سینماست. سینمایی که چند ویژگی مهم نسبت به دیگر رسانه‌ها دارد. اول. مخاطبان آن دایره گسترده‌ای از رده‌های سنی را در برمی‌گیرد. دوم مخاطب آن بسیار عام است و هر کسی با هر سطح درک و فهمی مخاطب این رسانه است. سوم، اکران‌های جهانی در یک زمان مشخص در سراسر جهان، باعث شده تا به طور همزمان میلیاردها نفر محصولات سینمایی را تماشا کنند. چهارمین موضوع این است که سینما این پتانسیل را دارد که به طور غیر مستقیم پیامش را به مخاطبش منتقل سازد. بدون آنکه حتی مخاطب متوجه شود که تولیدکنندگان یک محصول سینمایی قصد انتقال چنین پیامی دارند. مجموعه این موضوعات سبب شده تا سینما یکی از محمل‌های بسیار مهم در چندین دهه اخیر برای ارائه تصویر از یک پدیده یا یک کشور و ملت باشد. در این بین بدون تردید یکی از مهمترین پدیده‌های قرن بیستم که توانست در جهان موج مهمی از تحولات را ایجاد کند و مورد توجه بسیاری از ابرقدرت‌ها قرار گرفت، انقلاب اسلامی ایران است. انقلابی که با حضور پرشکوه و گسترده مردم ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ برابر با ۱۱ فوریه سال ۱۹۷۹ میلادی به پیروزی رسید. از همان روزهای پس از شکل‌گیری پس از انقلاب اسلامی تخاصم و تهاجم‌های فکری و روانی ابرقدرت‌ها علیه انقلاب اسلامی و در مسیر تخریب انقلاب ایران آغاز شد. یکی از مهمترین شکل‌های این تخریب تا به امروز از طریق جریان رسانه بوده است. جریانی که امروز با گذشت بیش از ۴۴ سال از انقلاب اسلامی ایران همچنان ادامه دارد و در یک دهه اخیر به

شکلی در سینمای سیاسی غرب شاهد رشد آن هم بوده ایم. از همین روز این مقاله با محور قرار دادن محصولات رسانه ای تولید شده در چندین سال اخیر، سعی کرده به بررسی چگونگی تخریب انقلاب اسلامی در سینمای سیاسی غرب بپردازد. سوال اصلی این پژوهش این است که سینمای سیاسی غرب در چند سال اخیر در راستای تخریب انقلاب اسلامی ایران چه موضوعاتی را مورد توجه قرار داده است؟ پیام تصویری که از ایران پس از انقلاب در سینمای غرب ارائه می شود برای مخاطب جهانی آن چیست؟ فرضیه این پژوهش هم براین مسئله قرار گرفته که سینمای سیاسی غرب، در چندین دهه گذشته سعی کرده با ارائه تصویری منفی از ایران پس از انقلاب به تخریب پدیده انقلاب اسلامی ایران و ارزش های آن بپردازد.

۲. چارچوب نظری

محصولات رسانه ای در جهان امروز می توانند با ارائه تصویری که از یک پدیده به مخاطب خود می دهند، نگاه مخاطب را به آن موضوع مطابق با خواست حامیان و صاحبان رسانه ها تغییر دهند. در این بین دولتها با بهره گیری از همین قابلیت رسانه های فراگیر، سعی می کنند مسائلی خاص را درباره هر پدیده یا موضوعی به ذهن مخاطب انتقال داده و القا کنند. به واقع در این فرآیند قرار است که چند محور و نکته خاص درباره یک موضوع با تکرار به شکل های گوناگون در ذهن مخاطب کاشته شود. این کاشت، در نهایت قرار است در زمانی که لازم باشد موجب تصمیم گیری افکار عمومی در مسیر مورد خواست سیاستمداران شود. با توجه این چارچوب به طبع برای دولت های صاحب غول های رسانه ای مهم است که به صورت گزیده ای و مشخص و دارای پیام به هدایت افکار عمومی درباره یک موضوع بپردازند. در همین راستا با توجه به محور قرار گرفتن سینما در ایجاد تصویر از انقلاب اسلامی و ایران پس از انقلاب، برای دولتمردان غربی مهم است که نکات خاصی را در مورد انقلاب ایران از طریق ابزار سینما برای افکار عمومی جهان برجسته سازند. در همین جهت چارچوب نظری در نظر گرفته شده برای این پژوهش، نظریه برجسته سازی است که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱.۲. نظریه برجسته سازی

نظریه برجسته سازی از مهمترین نظریه ها در حوزه تاثیر گذاری رسانه بر افکار عمومی محسوب می شود. محور اصلی این نظریه این است که اولویت گذاری در توجه به موضوعات و تلاش برای برجسته سازی آنها می تواند در افکار عمومی اثر بگذارد. (green&hoblt, 2008: 461)

از منظری دیگر، منظور از برجسته سازی این موضوع می باشد که رسانه ها، به ویژه در اخبار و گزارش های خبری و برنامه های مستند، این قدرت را دارند که توجه عموم را به مجموعه ای از مسائل و موضوعات معین و محدود معطوف سازند و از مسائل و موضوعات دیگر چشم پوشی کنند. حاصل کار این می شود که بعضی از مسائل خاص توسط بسیاری از مردم در سپهر عمومی و خارج از قلمرو رسانه ها به بحث گذاشته می شود، در حالی که به مسائل و موضوعات دیگر توجه نمی شود. (سولیوان، هارتلی، ساندرز و فیسکف ۱۳۸۵: ۲۶).

۲.۲. تاریخچه نظریه برجسته سازی

نظریه برجسته سازی مانند نظریات دیگر دارای تاریخچه مهمی است که باید توجه به آن داشت. مکسول مک کامب برای اولین بار این نظریه را در سال ۱۹۶۸ به کار گرفت. او برای این امر، ابتدا مطالب یک ماه روزنامه ها را در شهر شارلوت مورد بررسی قرار داد. جدای از این بررسی در پرسشنامه ای نظرات مردم را درباره مسائل مهم شهر و کشورشان در همان یک ماه استخراج نمود. نتیجه این بود که مردم دقیقا همان موضوعاتی را مهم می دانستند که رسانه ها به آن پرداخته و آنها را موضوع گزارش های خود قرار داده بودند. (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۳۴۸)

در این بین برخی از اندیشمندان این نظریه تاکید بر انگاره های ذهنی در مقابل موضوعات مختلف دارند. آن چنان که والتر لیپمن در کتاب افکار عمومی (public opinion) می گوید که افراد هنگام مواجهه با موضوعات مختلف بیشتر به تصویری پاسخ می دهند که در ذهن خود از آن واقعیات دارند و این تصویر را رسانه های جمعی شکل می دهند. همچنین مایکل کورتیس در مقدمه ای بر این کتاب، در توضیح ریشه این مسئله می گوید محیط واقعی در اطراف ما آنقدر بزرگ است که مستقیما به تصرف ذهن انسان در نمی آید. (baran&davis,2012: 294)

۳.۲. نظریه پردازان برجسته سازی

براساس تحقیقات تجربی ماکسول کامبر و دونالد شاو، دو محقق این حوزه، مدیران اخبار نقش مهمی در شکل دادن واقعیت سیاسی جاری در جامعه دارند. به این ترتیب که مخاطب آنها نه تنها درباره یک مسئله چیزی می آموزند بلکه درباره میزان اهمیتی که باید به آن مسئله داد نیز تاثیر می گیرند و این واقعیت ناشی از پرداختن یا نپرداختن به آن مسئله توسط مدیران خبر و نوع اطلاعات و اهمیتی است که به آن می دهند. آنها در توصیف این فرآیند می گویند رسانه های جمعی با این رفتار نوعی دستور کار (agenda) برای مردم می چینند که میزان اهمیت مسائل و نوع اطلاعاتی را که حول و حوش آن وجود دارد تعیین می کند.

مطالعه برجسته سازی از نظر «راجرز» و «دیرینگ» مطالعه «تغییرات» و «ثبات» اجتماعی است. آنها، اولویت گذاری را فهرستی از موضوعات مرتبط به هم، در سلسله مراتبی از اهمیت، در یک دوره زمانی می دانند. بدیهی است که اولویت ها، نتیجه ای از تاثیر متقابل و پویا هستند. همین که موضوعات گوناگون، اهمیت شان در طول زمان، افزایش یا کاهش می یابد، اولویت ها تصویری کلی از این بی ثباتی را فراهم می کنند. (راجرز و دیرینگ، ۱۳۸۵: ۴).

مانهایم (۱۹۸۷) در مفهوم سازی از اولویت ها کاری انجام داده است که به درک فرآیند برجسته سازی کمک می کند. او بر سه اولویت تاکید دارد: اولویت «رسانه ها»، اولویت «همگان» و اولویت «سیاست». هر یک از اولویت ها نیز شامل بسیاری از متغیرهای کلیدی است که در مطالعات گوناگون برجسته سازی، شناخته شده اند. (سورین و تانکار، ۱۳۸۸: ۳۵۶). به واقع کلیدواژه اولویت در نظریه برجسته سازی جایگاه ویژه ای دارد. در واقع از منظر اندیشمندان این نظریه، اولویت سازی جهت دهنده و شکل دهنده به افکار عمومی و حساس کننده آنها به موضوعات به شمار می رود که طبیعتاً در مسیر کلان دولتها در موضوعات مختلف هم اثر گذار خواهد بود.

۴.۲. اولویت ها از منظر نظریه برجسته سازی

اولویت های سه گانه، به تاثیرگذاری بر یکدیگر گرایش دارند؛ «اولویت رسانه ها بر اولویت همگان، و اولویت سیاسی، بر هر دو، تاثیر می گذارد. اولویت همگان در اولویت سیاسی نفوذ می کند و اولویت سیاسی بر اولویت رسانه ها اثر می گذارد، اما معقول به نظر می رسد که رابطه بین اولویت همگان با اولویت رسانه ها، رابطه ای دو سویه باشد.» (ویندال و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۵۶).

اولویت رسانه‌ها که بیش از سایر اولویت‌ها، مورد توجه این پژوهش قرار دارد، «فرآیندی» است که در آن پوشش نسبی مباحث خبری عمومی از طرف دروازه بانان رسانه‌ای هدایت می‌شود و تاثیر رویدادهای خبری مهم مبتنی بر علائق مخاطبان شکل می‌گیرد. این نوع اولویت‌گذاری با روش «تحلیل محتوا قابل اندازه‌گیری است» (راجرز، ۱۳۸۶: ۴۵۲).

محققان برجسته‌سازی به جای تمرکز بر دیدگاه‌های منفی یا مثبت نسبت به یک موضوع، بر «اهمیت» یک موضوع تمرکز می‌نمایند. این اهمیت در اولویت رسانه‌ها به بینندگان، خوانندگان و شنوندگان می‌گوید که در رابطه با چه موضوعاتی به تفکر بپردازند. اهمیت درجه‌ای است که بر حسب آن موضوعی که در اولویت قرار دارد به عنوان مسائل نسبتاً مهم تلقی می‌شود. اوج اهمیت در فرآیند برجسته‌سازی زمانی است که اهمیت یک موضوع، در اولویت رسانه، به اولویت عموم و اولویت سیاست تغییر می‌کند (دیرینگ و راجرز، ۱۳۸۵: ۱۸-۱۷).

۵.۲. نظریه برجسته‌سازی و سینما

موضوع بهره‌گیری از نظریه برجسته‌سازی در سینمای امروز جهان، یکی از مسائل مهمی است که به شکلی نظریه‌پردازی درباره آن در یک روند تدریجی در حال صورت گرفتن است. از نگاه اندیشمندان حوزه سینمای سیاسی سینما به شکل‌های مختلفی در چندین دهه گذشته از نظریه برجسته‌سازی بهره گرفته است.

الف. محتوای فیلمنامه: در هنگام انتخاب موضوع و نوشتن فیلمنامه، شاهد موضوع اولویت‌سازی هستیم. در واقع وقتی نگارنده فیلمنامه یک موضوع خاص را برای محتوای کلی فیلمنامه انتخاب می‌کند در واقع در حال برجسته‌ساختن آن موضوع در ذهن مخاطب فیلم مورد نظر است. به عنوان نمونه وقتی خط کلی قصه یک فیلم، حمله به نیروگاه هسته‌ای ایران به عنوان کشور حامی تروریسم است در واقع فیلمنامه‌نویس این موضوع کلی را برای برجسته‌ساختن موضوعی درباره ایران انتخاب کرده است. (Franklin, 2006: 65)

ب. اولویت بندی کمپانی‌های فیلم‌سازی: امروزه در صنعت سینمای جهان، انتخاب‌های کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی حرف اول را برای ساخت یک فیلم می‌زند. به شکلی که می‌توان گفت کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی که بسیاری از آنها آبخورهای سیاسی در پس پرده دارند مسیر تولید

محتوا در سینمای جهان را انتخاب می کنند. نمونه بارز این مسئله را می توان در ساخت سری فیلم های ابرقهرمانی با تعداد قابل توجه در تمام این سالها دید. ابرقهرمان هایی که امروزه در جهان ذهن مخاطب را به تسخیر خود درآورده است. در واقع شرکت های بزرگ فیلم سازی با انتخاب مسیر ساخت انسانهای ابرقهرمان آمریکایی، در حال برجسته سازی تصویری خاص از آمریکا و شهروندان این کشور هستند. (Franklin, 2006: 65)

ج. اولویت بندی در مرحله ساخت: در حین فرآیند ساخت فیلم، کارگردان ها و تولیدکنندگان تصمیم می گیرند که چه سکانس هایی و با چه دیالوگهایی در فیلم به کار گرفته شود. آنها با توجه به محتوا و فضایی که می خواهند در ذهن مخاطب شکل دهند، سکانس های یک فیلم را در کنار هم قرار می دهند. در پس این سکانس ها محتوای خاصی نهفته است که این محتوا، موضوعی خاص را در ذهن مخاطب برجسته می سازد.

د. برجسته سازی جشنواره ها و فستیوال ها: در مسیر برجسته سازی موضوعات و اولویت گذاری، جشنواره ها و فستیوال های مهم فیلم همچون اعم از جشنواره اسکار، برلین، کن، تورنتو، بی اف آی لندن، روتردام، نقش مهمی دارند. به عنوان نمونه وقتی در سال ۲۰۱۲ اسکار بهترین فیلم توسط میشل اوباما، همسر رئیس جمهور وقت آمریکا به فیلم آرگو با موضوع اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ داده شده، این مسئله یک کنش سیاسی تلقی گردید. همچنین که این مسئله را می توان در موضوعات بسیاری در دیگر جشنواره های فیلم در تمام این سالها مشاهده کرد. در واقع انتخاب فیلم های برتر، حاوی پیام های مشخصی برای سینمای جهان است. کما اینکه انتخاب فیلم هایی با محتوای هم جنس گرایی در این سالها هم گویای اولویت گذاری جشنواره های مهم بین المللی فیلم در تولید فیلم بوده است.

۳. روش پژوهش

برای این مقاله، روش تحلیل مضمون به عنوان روش پژوهش انتخاب شده است. روشی که شباهتهایی با روش تحلیل محتوا و البته تفاوت هایی دارد. در روش تحلیل محتوا تکیه اصلی و تمرکز روی سطوح خردتر است. این روش به طور معمول فراوانی داده ها را نشان می دهد و از طریق آن امکان تحلیل کمی داده ها وجود دارد. از مهمترین نقص های این روش می توان، عدم توجه به بافت

داده هاست. موضوعی که سبب می شود غنای داده ها کم شود. اما در سوی مقابل در روش تحلیل مضمون واحد تحقیق بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده ها توجه بیشتری خواهد شد. همین مسئله موجب غنای داده ها می گردد. و در نهایت هم بهره گیری از کدهای مضامین اصلی موجب خواهد شد تا به عمق مضمون و مسائل مطرح شده در محتوای کلی پژوهشگر پی برده و آن را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱.۳. روش های تحلیل مضمون

روش های پیاده سازی و بهره گیری از تحلیل مضمون متفاوت است. در این باره چهار روش مرسوم وجود دارد. که عبارت است از: قالب مضامین، ماتریس مضامین، تحلیل مقایسه ای و شبکه مضامین. در این پژوهش از روش شبکه مضامین استفاده می شود.

شبکه مضامین: از مهمترین روش های مناسب در بحث تحلیل مضمون، شبکه مضامین است که افرادی همچون آتراید- استرلینگ نقش مهمی در توسعه آن داشته اند. در این روش پژوهشگر شاهد عرضه نقشه هایی شبیه تارنماست. این نقشه ها به نوعی اصل سازمان دهنده و روایت نمایش هستند. در این روش ما شاهد بیرون کشیدن و استخراج اصل قضیه پدیده یا همان مضامین پایه از متن اصلی هستیم. پس از این مرحله نوبت به تلخیص مضامین پایه هستیم. در این مرحله مضامین سازمان دهنده به دست می آید. در مرحله بعدی، مضامین عالی مورد نظر، به شکل استعاره ها درآمده و در این مرحله مضامین فراگیر به دست می آیند. مضامینی که روح حاکم بر متن و پدیده مورد نظر را بازگو می کند. (STIRLING,ATTRIDE:2001:3)

شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که «آتراید- استرلینگ» آن را توسعه داده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می کند نقشه های شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان دهنده و روایت نمایش است. شبکه ی مضامین بر اساس روندی مشخص، اصل قضایای پدیده را (مضامین پایه) از متن بیرون می کشد. سپس با دسته بندی این مضامین پایه ای و تلخیص آنها به اصول مجردتر و انتزاعی تر (مضامین سازمان دهنده) دست پیدا می کند. در گام سوم این مضامین عالی در قالب استعاره های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می آیند. (3:2001, STIRLING,ATTRIDE) و سپس این مضامین به صورت نقشه های شبکه تارنما، رسم و مضامین

برجسته هریک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می شود. برخلاف روش قالب مضامین، شبکه های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود و باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه ای که در آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین انتزاعی ترو کلی تر حرکت می شود تا به مضامین اصلی متن، دست پیدا کنیم.

۴. پیشینه پژوهش

پیرامون موضوع مرتبط با بازتاب و انعکاس انقلاب اسلامی در محصولات رسانه ای به ویژه سینما نویسنده این مقاله ای با عنوان همگونی محصولات رسانه ای با جهت گیری های سیاست خارجی آمریکا در موضوع ایران هراسی در سال ۱۳۹۲ به نگارش درآورده است. در مقاله ای که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسید بیش از خود محتوای محصولات رسانه ای تولید شده، بر محورهای سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تمرکز شده است. از سوی دیگر محدوده فیلم های مورد بررسی در این مقاله تا مقطع زمانی سال ۲۰۱۳ بوده است. همچنین باید اشاره داشت که در مقاله مذکور فیلم های تولید شده درباره ایران در حد فاصل سال ۱۹۹۱ میلادی تا ۲۰۱۳ به صورت کلی مورد بررسی قرار گرفته است. اما در مقاله حاضر محصولات تولید شده درباره ایران از سال ۲۰۱۳ به بعد و به صورت جزئی با تمرکز بر محورهای مطرح در این فیلم ها پیرامون انقلاب اسلامی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۵. تخریب انقلاب اسلامی توسط سینمای سیاسی

موضوعات مختلف و متعددی در محصولات سینمای غرب در طول چندین دهه اخیر درباره انقلاب اسلامی ایران و ارزش های موجود در آن مطرح شده است. موضوعاتی که براساس فرضیه این پژوهش هر کدام به شکلی در راستای تخریب ارزش های انقلاب اسلامی و ارائه تصویری مطابق با خواست کشورهای غربی مطرح شده است. در این بخش به بررسی مهمترین محصولات سینمای غرب می پردازیم که در یک دهه اخیر با محوریت انقلاب اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است.

۱.۵. گلاب (rosewater, 2014)

فیلم گلاب به کارگردانی جان استوارت محصول سال ۲۰۱۴ سینمای آمریکاست. این فیلم روایت گر روزهای انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ است. به روایت این فیلم یک روزنامه نگار

ایرانی مقیم لندن در این روزها برای پوشش خبری انتخابات به ایران سفر می‌کند. پس از اعلام نتایج، بدنه حکومت جمهوری اسلامی در راستای محدود کردن فضای رسانه‌ای، اقدام به دستگیری خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه می‌کند. این روزنامه‌نگار ایرانی مقیم لندن هم یکی از همین خبرنگاران است. در این فیلم این گونه روایت می‌شود که این خبرنگار پس از بازداشت توسط سیستم اطلاعاتی امنیتی ایران تحت شدیدترین فشارها و بازجویی‌ها قرار می‌گیرد و در مسیر بازجویی او هر چه عنوان می‌کند که یک خبرنگار ساده است سیستم اطلاعاتی ایران باور نمی‌کند و او را به مدت صد روز در بازداشت نگاه می‌دارد. دلیل نام گذاری فیلم به نام «گلاب» هم این است که بازجوی او که فردی هم بسیار خشن و نماد افراد مذهبی است همیشه بوی گلاب می‌دهد و به شکلی این مسئله تداعی‌کننده بخش مذهبی جامعه هم هست.

در فیلم گلاب بر چند گزاره تاکید می‌شود که این گزاره‌ها در ذهن مخاطب تصویری سیاه از ایران پس از انقلاب اسلامی ایجاد می‌کند.

یکم. **حاکم شدن یک نظام سرکوب‌گر:** در این فیلم این گونه روایت می‌شود که پس از انقلاب اسلامی ما شاهد روی کار آمدن نظامی هستیم که با گذشت سالها از انقلاب اسلامی، همچنان هر گونه اعتراضی را سرکوب می‌کند و سعی دارد از طریق ایجاد رعب و وحشت به حاکمیت خود ادامه دهد. دوم. **استفاده از عنصر مذهب:** فیلم گلاب با روایتی که از بدنه حاکمه و بازجویان سیستم سیاسی کشور دارد به شکلی این مسئله را در ذهن مخاطب خود شکل می‌دهد که افراد مذهبی پس از انقلاب اسلامی امور کشور را در اختیار گرفته‌اند و از این مذهب برای سرکوب، ایجاد خفقان و وحشت بهره می‌گیرند.

سوم. **محدود کردن رسانه‌ها و آزادی مطبوعات:** در این فیلم بر اینکه سیستم سیاسی حاکم بر ایران پس از انقلاب اسلامی، به شکل‌های مختلف، مخالف آزادی رسانه و جریان اطلاع‌رسانی است، تاکید می‌گردد. به تصویر کشیدن برخورد سبانه با روزنامه‌نگاران و خبرنگاران و قطع کردن اینترنت در ایام اعتراضات و اشاره به جاسوس بودن تمام خبرنگاران از سوی دستگاه اطلاعاتی ایران در این فیلم، گویای تلاش فیلم برای القای همین گزاره در ذهن مخاطب خود است.

چهارم. **تاکید بر نقش رهبر ایران در برخورد با مخالفان:** در این محصول سینمایی تصویری که از

رهبر انقلاب اسلامی ایران به مخاطب ارائه می شود، تصویر شخصی است که فرمان برخورد و ایجاد خفقان را صادر می کند. در واقع به نوعی فیلم سعی دارد این مسئله را به مخاطب خود منتقل سازد که رهبر انقلاب اسلامی ایران به عنوان حاکم جمهوری اسلامی ایران و شخص تصمیم گیرنده، در پس برخورد با معترضان و متقدان قرار دارد.

۲.۵. سپتامبرهای شیراز (Septembers of shiraz, 2015)

سپتامبرهای شیراز فیلمی به کارگردانی وین بلر که در سال ۲۰۱۵ و در کشور آمریکا تولید شده است. این فیلم روایت گر زندگی یک خانواده ایرانی- یهودی در روزهای پس از انقلاب اسلامی است. زوجی که در دوران حکومت پهلوی، از اقشار مرفه جامعه بوده اند. پدر این خانواده یعنی شخصیتی به نام اسحاق در دوران پهلوی در کار جواهرآلات بوده و از همین شغل درآمد بسیار زیادی به دست آورده است. اما پس از انقلاب اسلامی ایران، به روایت این فیلم نیروهای انقلابی او را بازداشت کرده و تحت فشار و شکنجه قرار می دهند تا او به مسائلی که از سوی نیروهای انقلابی گفته می شود، اقرار کند. هنگامی که اسحاق تحت بازداشت کمیته انقلابی است، افراد کمیته به خانه او رفته و بسیاری از اموال وی را مصادره می کنند. در این حین بازجوی اسحاق بارها در طول بازجویی تاکید می کند که اسحاق وابسته به اسرائیل است و باید درباره سفرهایش به اسرائیل توضیح دهد. همچنین یکی از اتهامات دیگر اسحاق از نظر کمیته انقلاب به روایت این فیلم، جاسوسی برای اسرائیل است. فیلم به شکلی سعی دارد این مسئله را نشان دهد که اصلا این اتهامات صحت ندارد و همه آنها دروغ هستند. در نهایت اسحاق با واگذار کردن بخش زیادی از اموال خود به برخی از نیروهای انقلابی و معامله با آنها موفق می شود که از کشور به شکل غیرمجاز و قاچاقی فرار کند.

در فیلم سپتامبرهای شیراز بر چند گزاره درباره انقلاب اسلامی ایران به شکل ویژه ای تاکید شده است.

اول. شکل گیری فضای سرکوب پس از انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران باعث شد تا فضای سرکوب و خفقان و استبداد در ایران شکل بگیرد. به شکلی که پس از انقلاب، نیروهای انقلابی با عنوان تصفیه انقلاب، بسیاری از افرادی که متفاوت با آنها فکر و زندگی می کردند را مورد شدیدترین برخوردها و خشن ترین رفتار قرار دادند و همین مسئله موجب شد که این افراد مال و زندگی خود را رها کرده و مهاجرت کنند.

دوم. یهود ستیز بودن انقلاب اسلامی: در این فیلم این گونه روایت می‌شود که پس از انقلاب اسلامی، فضای یهودی ستیزی و حمله به افرادی که دینی متفاوت با دین اسلام داشته‌اند شکل گرفت و همین مسئله موجب گردید که تمام افرادی که دینی جدا از اسلام داشتند تحت شدیدترین فشارها قرار بگیرند. به واقع بر اساس روایت این فیلم انقلاب اسلامی ایران، به هیچ وجه پذیرنده ادیان متفاوت و افراد باورند به این ادیان نبوده و آنها را به شدت سرکوب کرده است.

سوم. حاکم شدن فضای توهم توطئه: براساس روایت این فیلم، پس از انقلاب اسلامی، فضایی همراه با توهم توطئه در ایران حاکم شد. به شکلی که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران، دستگاه‌های اطلاعاتی امنیتی، به افرادی با دین متفاوت و به ویژه یهودی به چشم جاسوس نگاه می‌کردند و نوعی توهم توطئه داشتند. این توهم توطئه باعث شده بود که آنها زندگی را برای افراد تلخ و همراه با وحشت و خفقان کنند.

چهارم. انقلاب اسلامی ایران، عامل آوارگی: فیلم در روایت خود این گونه به مخاطبش منتقل می‌کند که انقلاب اسلامی ایران موجب آوارگی هزاران ایرانی شده است. به شکلی که پس از انقلاب اسلامی، ایرانیان بسیاری به دلایل مختلف مجبور شدند از کشور مهاجرت کنند. از نگاه روایت این فیلم، دلیل اصلی همه این اتفاقات هم انقلاب اسلامی ایران بود که پس از آن، شاهد شکل‌گیری یک فضای تلخ و سرد و وحشت در کشور ایران بوده ایم.

پنجم. حاکم شدن افراد فقیر و بی‌صلاحیت: روایت فیلم این گونه به مخاطبش القا می‌کند که پس از انقلاب اسلامی، در ایران افراد فقیر و کم‌مایه‌ای حاکم شدند که به دنبال غارت اموال مخالفان بودند و برای همین بر سر آزادی افراد بازداشت شده، با پول معامله می‌کردند. در واقع فیلم سعی دارد این چنین عنوان کند که برخلاف دوران پهلوی که افراد ثروتمند و دارای صلاحیت امور کشور را در اختیار داشتند پس از انقلاب اسلامی این روند برعکس شد و افراد بی‌صلاحیت و از طبقات پایین جامعه کشور را در اختیار گرفتند.

۳.۵. بهای آزادی (THE PRICE OF FREEDOM, 2017)

«بهای آزادی» فیلمی محصول سال ۲۰۱۷ به کارگردانی و نویسندگی «دیلان بانک»، فیلمساز آمریکایی است که در آن سرگذشت دکتری یهودی روایت می‌شود. او شاهد شکل انقلاب اسلامی در ایران

است و به دلیل هراس از تبعات انقلاب اسلامی برای زندگی از ایران خارج شود. اما در این راه با مشکلات و مصائب بسیاری از سوی حکومت و حتی شهروندانی که به تعبیر این فیلم تندروها و بازوهای سرکوب حکومت محسوب می شوند، روبه رو می گردد. باور مرکزی این فیلم که از روی خاطرات دکتر «مارک بنهوی» ساخته شده این است که شکل گیری انقلاب اسلامی ایران به دلیل اختلافات محمدرضا پهلوی در اواخر حکومتش با آمریکا بوده است؛ و از همین رو غرب هم تصمیم گرفت که محمدرضا شاه پهلوی را سرنگون و حکومت مذهبی را در ایران شکل دهد.

در هنگام خروج کاراکتر اصلی داستان یعنی پزشک مورد نظر او با تحولات و موضوعاتی روبه رو می شود که برایش تعجب برانگیز است و اصلاً انتظار روبه رو شدن به آنها را ندارد؛ و در نهایت در این فیلم به این نتیجه می رسد که این اتفاقات، این فشارها و این تغییر رویه ها، همه و همه به دلیل شکل گیری یک انقلاب ایدئولوژیک در ایران است که پشت همین انقلاب هم خواسته های غرب نهفته است.

در این فیلم به چند مسئله مهم درباره انقلاب اسلامی ایران اشاره شده است:

اول. نقض گسترده حقوق شهروندان و اعدام پس از انقلاب: فیلم بهای آزادی این چنین روایت می کند که پس از روی دادن انقلاب اسلامی در ایران، اعدام های گسترده ای صورت گرفت. به شکلی که بسیاری از ژنرال های حکومت پهلوی به تعبیر این فیلم توسط انقلابیون اعدام شدند. این فیلم این چنین برای مخاطب خود می گوید که پس از شکل گیری انقلاب اسلامی، بسیاری از کسانی که به مردم در چارچوب حکومت پهلوی خدمت کرده بودند با حکم دادگاه های انقلاب اعدام شدند و با بدترین شکل ممکن با آنها برخورد شد.

دوم. فقدان مشروعیت جمهوری اسلامی ایران: در این فیلم این گونه به مخاطب گفته می شود که شکل گیری انقلاب اسلامی حاصل برنامه ریزی های پشت پرده کشورهای بیگانه بوده است. از همین رو مردم نقش چندانی در این انقلاب نداشته اند و تنها ابزار حکومت های بیگانه برای ایجاد تغییر در ایران بوده اند.

سوم. نقش مهم قدرت های بزرگ در انقلاب اسلامی: یکی از محوری ترین موضوعاتی که در تمام فیلم «بهای آزادی» به آن اشاره می شود نقش پررنگ قدرت های خارجی در شکل گیری انقلاب اسلامی است. در این فیلم این گونه عنوان می گردد که در فرآیند انقلاب اسلامی آیت الله

خیمینی مهره خارجی‌ها بوده و بدون آنها توان انجام یک انقلاب را نداشته است
 چهارم. سرکوب و خفقان پس از انقلاب اسلامی: در فیلم بهای زندگی به این مسئله اشاره می‌شود
 که پس از وقوع انقلاب اسلامی، شاهد اعمال خشونت و سرکوب از سوی حکومت جدید بودیم.
 آن چنان که جمهوری اسلامی ایران با هر گونه نظر مخالفی به شدت برخورد می‌کرد و دست به
 اعدام افراد زده است.

پنجم. فریب خوردن حکومت پهلوی از قدرت‌های بزرگ: به روایت این فیلم، حکومت پهلوی
 خدمات زیادی به ایران انجام داده، اما قدرت‌های بزرگ به دلیل اینکه احساس می‌کردند محمد
 رضاشاه در حال تبدیل شدن به یک خطر برای منافع آنهاست تصمیم به سرنگونی حکومت وی
 گرفتند. در این راه محمدرضاشاه پهلوی هم به نوعی فریب آنها را خورد و همین مسئله موجب شد
 تا پیش زمینه‌های انقلاب اسلامی ایجاد شود. در این روایت، فیلم سعی دارد این چنین بگوید که
 مردم ایران حکومت پهلوی را سرنگون کردند که خدمات زیادی برای مردم ایران انجام داده بود.

۴.۵. تهران من، تابو (my Tehran, taboo, 2017)

فیلم تهران من تابو، یک فیلم انیمیشن است که محصول مشترک اتریش و آلمان محسوب می‌شود.
 این فیلم به شکلی چند روایت موازی دارد که در تمام این روایت‌ها زنان ایرانی نقش محوری دارند.
 زنانی که هر کدام به شکلی در این فیلم مورد ظلم قرار می‌گیرند. شخصیت دنیا دوست دختر پسری
 است که این پسر باعث از بین رفتن بکارت دنیا شده است. شخصیت نگار تلاش می‌کند که از دوست
 پسرش برای ترمیم بکارتش پول بگیرد. در سوی دیگر شخصیت پری یک زن روسپی است که برای
 تامین زندگی خودش و پسرش، به اجبار تن فروشی می‌کند. او برای اینکه بتواند طلاقش را از
 همسرش بگیرد با قاضی پرونده وارد رابطه شده است. اما سارا هم از دیگر شخصیت‌های زن این فیلم
 محسوب می‌شود که قربانی رفتارهای خانواده سنتی همسرش است. او مجبور شده چندین بار برای
 آنکه بتواند همچنان کار کند، بارداری خود را از خانواده همسرش پنهان ساخته و فرزندش را سقط کند.
 در نهایت همه شخصیت‌های زن فیلم تهران من تابو سرنوشت بد و شومی پیدا می‌کنند. این فیلم در
 روایت خود به موضوعات مختلفی درباره ایران پس از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌کند.
 اول. نقض گسترده حقوق زنان: روایت فیلم تلاش دارد تا این مسئله را به مخاطبش منتقل سازد که

پس از انقلاب اسلامی ایران حقوق زنان تا اندازه یک شهروند درجه ۲ تنزل پیدا کرد. به روایت این فیلم زنان در طول سال‌های پس از انقلاب به شکل‌های مختلف مورد ظلم و ستم از سوی حاکمیت و مردان جامعه قرار می‌گیرند و حقشان ضایع می‌شود و کسی هم از آنها حمایت نمی‌کند.

دوم. حکومت دینی و سرکوب مردم: فیلم تهران من تابو، این مسئله را به مخاطبش منتقل سازد که روی کار آمدن یک حکومت دینی پس از انقلاب اسلامی تنها منجر به فشار بیشتر بر جامعه و سرکوب بیشتر شده است. از نگاه این فیلم ایران پس از انقلاب شاهد حضور یک حکومت سرکوبگر بوده که هرگونه تفاوت نظری را به شدیدترین شکل ممکن پاسخ می‌دهد و با خشونت کامل برخورد می‌کند و با ایجاد همین رعب و وحشت حکومت ادامه حیات یافته است.

سوم فساد گسترده در دستگاه جمهوری اسلامی: بر اساس روایت این فیلم ماموران انتظامی و قضات در دستگاه جمهوری اسلامی ایران فاسد هستند و از هر فرصتی برای سو استفاده از زنان بهره می‌گیرند. و این در حالی است که خودشان سعی می‌کنند شدیدترین سرکوب‌ها را در مورد زنان اعمال سازند. از نگاه این فیلم، دستگاه قضایی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران به زنان نگاه ابزاری و جنسی دارند.

چهارم. تاکید بر دین به عنوان عامل عقب ماندگی مردم: در بطن روایت این فیلم شاهد این هستیم که دین به عنوان عامل عقب ماندگی ایرانیان و ظلم بر زنان و تضییع حقوق گسترده آنان معرفی می‌شود. به روایت این فیلم پس از انقلاب اسلامی حاکم شدن دین بر ابعاد مختلف زندگی ایرانیان جز بیچارگی و فقر برای آنها حاصلی نداشته است و حکومت جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی با بهره گیری از همین ابزار دینی اقدام به سرکوب گسترده مردم کرده است.

۵.۵. مامور مخفی (the operative, 2019)

فیلم مامور مخفی به کارگردانی یوال آدلر محصول سال ۲۰۱۹ سینمای مشترک فرانسه آلمان اسرائیل و ایالات متحده است. فیلم روایتگر حضور یک مامور زن اسرائیلی به نام راشل در ایران می‌باشد. ماموریت او از سوی سرویس جاسوسی اسرائیل اینگونه تعریف شده که باید به یک شرکت ایرانی که تحت پوشش برخی کارها تولیدات امنیتی دارد نفوذ کند. در همین راستا راشل با رئیس این شرکت که یک مرد ایرانی نزدیک به حکومت است وارد رابطه شده و به ساختار این شرکت نفوذ می‌کند. همزمان هم اطلاعات لازم را از درون این شرکت به سیستم امنیتی و جاسوسی اسرائیل ارائه

می‌دهد. در نهایت به دلایل متعدد سیستم جاسوسی اسرائیل تصمیم به حذف راشل می‌گیرد. فیلم مامور مخفی موضوعات متعددی را درباره ایران پس از انقلاب اسلامی مطرح می‌سازد.

اول. فاصله سبک زندگی شهروندان با سبک زندگی مطلوب حکومت: در این فیلم ما شاهد آن هستیم که ایرانیان برخلاف خواست حکومت جمهوری اسلامی، سبک زندگی متفاوتی در مهمانی‌ها و جلسات خصوصی دارند. و به دلیل ترس از برخورد حاکمیت سعی در پنهان سازی این سبک زندگی متفاوت دارند. در زیر پوست جامعه ایرانی به تعبیر این فیلم مردم کاملاً بیگانه با حکومت زندگی می‌کنند.

دوم. ایران پس از انقلاب تهدیدی برای جهان: بر اساس روایت این فیلم، ایران پس از انقلاب اسلامی با حاکمیت جمهوری اسلامی تهدیدی برای صلح جهانی است و باید مورد کنترل قرار گیرد. چرا که ایران تحت عنوان پوشش‌های متعدد به دنبال دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است و در صورت دستیابی صلح جهانی را تهدید می‌کند. از نگاه روایت این فیلم عملیات‌های متعدد اطلاعاتی از سوی دستگاه‌های امنیتی غربی و اسرائیل در راستای مقابله با تهدیدات ایران برای شهروندان در سراسر جهان است. فیلم برای مخاطبش اینگونه روایت می‌کند که ایران پس از انقلاب اسلامی تبدیل به دشمن جهان شده است.

سوم. شکاف‌های امنیتی گسترده در حکومت: روند و قصه فیلم به گونه‌ای است که مخاطب ایران را یک کشور ضعیف از منظر امنیتی و اطلاعاتی می‌پندارد. فیلم برای مخاطب اینگونه روایت می‌کند که ماموران امنیتی اسرائیل هرگاه که خواسته‌اند در این سال‌ها با استفاده از شکاف‌های امنیتی به دستگاه‌های مختلف ایران نفوذ کرده و در آنجا عملیات‌های متعددی انجام داده‌اند. و این درست در نقطه مقابل ادعاهای مقامات امنیتی جمهوری اسلامی است که بارها بر سطح بالای اشراف امنیتی خود تاکید کرده‌اند. در واقع فیلم اینگونه روایت می‌کند که پس از انقلاب اسلامی حکومتی در ایران قدرت را در اختیار دارد که سیستم اطلاعاتی آن ضعیف است.

۶.۵. تاپ گان (top gun, 2022)

فیلم تاپ گان ۲ (ماوریک) تولید سال ۲۰۲۲ در کشور آمریکا، به کارگردانی جوزف کوشینسکی است. فیلم روایت کاپیتان هوایم‌های جنگی به نام ماوریک میچل است. او سابقه سی سال پرواز را دارد؛ و افتخارات زیادی را کسب کرده ولی از آن سو سرپیچی‌های مکررش از دستورات، مانع ارتقا

درجه او شده است. به هر صورت ماوریک توسط نیروی دریای ارتش آمریکا به یک ماموریت مهم گمارده می شود. او در این ماموریت قرار است که معلم گروه خلبانانی باشد که باید عملیاتی را انجام دهند. این عملیات انهدام یک کارخانه زیرزمینی اورانیوم است. کارخانه ای که در یک مکان نامعلوم قرار دارد و در یک دره و در زیر کوه ها جاسازی شده است. مشخصات و توصیفی که در این فیلم از کشور هدف ارائه می شود کاملاً اشاره به ایران دارد. به ویژه اینکه هواپیماهای آمریکایی از روی ناوهایی در خلیج فارس به پرواز درمی آیند و مسیری را می پیمایند و سپس مکان مشخص را در میان دره ها که به تعبیر این فیلم، انبار ذخایر اورانیوم غیرقانونی است منهدم می کنند.

به هر صورت کاپتان ماوریک پس از آزمایش و خطاها همراه با یک تیم به این عملیات فرستاده می شود؛ و ماوریک پس از آنکه هواپیمایش توسط ایران مورد هدف قرار می گیرد، سقوط می کند. او زنده می ماند و به همراه یک خلبان دیگر به آشیانه های دشمن می روند و یک هواپیمای «اف ۱۴» برمی دارند و به ناو آمریکایی باز می گردند.

در این فیلم به چند مسئله درباره ایران امروز به شکل غیرمستقیم اشاره می شود.

اول. ایران هسته ای منشا خطر برای جهان: در این فیلم این چنین گفته می شود که با توجه به وضعیت برنامه هسته ای ایران، خطر دست یابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای غریب الوقوع است و باید نسبت به آن یک واکنش مهم نشان داد. واکنشی که به تعبیر این فیلم باید نظامی باشد و منجر به نابودی تاسیسات و زیرساخت های هسته ای شود. چرا که در غیر این صورت ایران خواهد توانست در جهان دست به حملات هسته ای بزند و صلح جهانی را با چالش های جدی مواجه سازد.

دوم. منشا تروریسم بودن در جهان: در این فیلم عنوان می شود که جمهوری اسلامی ایران منشا تروریسم در جهان است. از نگاه این فیلم ایران با دسترسی به سلاح هسته ای توان انجام حملات گسترده هسته ای علیه منافع غرب را دارد و هر روز در این مسیر پیشرفت های بیشتری می کند و به دستاوردهای جدیدتری دست پیدا کرده است. ابزارهای جدید که هر روز بیش از گذشته برخوردار با جمهوری اسلامی را سخت می سازد. به روایت این فیلم، جهان با حکومتی طرف است که سرآغاز و منشا بسیاری از عملیات های تروریستی در جهان است و چنین نظامی نباید به سلاح هسته ای دست پیدا کند.

سوم. زیرزمینی شدن برنامه هسته ای ایران: یکی از موضوعات مهمی که در فیلم تاپ گان)

ماوریک) به آن اشاره می‌گردد این است که تجهیزات هسته ای و به طور کلی برنامه هسته ای زیرزمینی شده و دسترسی و ضربه زدن به آن دشوار شده است. به این علت ضربه زدن به ایران کاری سخت و دشوار شده و برای این مسئله نیاز به حملات سنگین و سخت هوایی است. از نگاه این فیلم، جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از حساس بودن جهان نسبت به دستیابی اش به سلاح هسته ای تاسیسات تولید سلاح هسته ای را زیرزمینی ساخته است.

چهارم. جمهوری اسلامی دشمن اصلی آمریکا: در این فیلم این گونه برای مخاطب روایت می‌شود که ایران دشمن اصلی ایالات متحده است و توان ضربه زدن به آمریکا را دارد. در واقع فیلم این گونه زمینه چینی می‌کند که به علت همین دشمنی آمریکا باید علیه ایران اقدام نظامی انجام دهد و تاسیسات هسته ای ایران را نابود سازد. پس در راستای تامین امنیت ایالات متحده و حفظ جان شهروندانش هر گونه برخورد با ایران مجاز است.

۷.۵. عنکبوت مقدس (Holy Spider, 2022)

فیلم عنکبوت مقدس محصول مشترک سینمای دانمارک، آلمان و سوئد و فرانسه است. فیلمی به کارگردانی علی عباسی که در سال ۲۰۲۲ تولید شده و به شکلی اثری اقتباسی از یک رویداد واقعی در ایران به شمار می‌رود.

روایت این فیلم درباره قتل‌ها زنجیره ای است که توسط سعید حنایی در حداثا فصل سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰ در ایران رخ داد. قتل‌های زنجیره ای که طی آن بیش از ۱۶ زن به قتل رسیدند. در این فیلم، خبرنگاری به نام آرزو رحیمی پس از متشتر شدن خبر چند قتل در مشهد به این شهر می‌رود تا از نزدیک روند پرونده را مشاهده کند و بتواند مقالاتی در این باره بنویسد. او در ادامه متوجه می‌شود که ماموران امنیتی و قضایی شهر مشهد به شکلی در پیگیری این پرونده چندان جدی نیستند. اما همزمان جنازه‌های جدیدی کشف می‌شود و قاتل زنجیره ای همچنان به جنایت‌های خود ادامه می‌دهد. این وضعیت ادامه دارد تا این آرزو رحیمی تصمیم می‌گیرد که خود را به عنوان طعمه قرار دهد. او تصمیم می‌گیرد از این طریق سعید حنایی را شناسایی کند. در نهایت هم همین اتفاق رخ می‌دهد و آرزو موفق می‌شود مکان سعید حنایی را شناسایی و از دست وی بگریزد. روز بعد سعید حنایی توسط ماموران امنیتی بازداشت شده و در نهایت براساس حکم دادگاه، اعدام می‌گردد. در این

میان، این فیلم درباره جامعه ایران پس از انقلاب بر چند گزاره تاکید می کند.

اول. یک کشور عقب مانده و فقیر: فضای فیلم به شکلی است که مخاطب با دیدنش این احساس را دارد که جامعه ایرانی در فقر و فلاکت قابل توجهی به سر می برد. در پس این تصویرسازی از ایران، عامل اصلی این وضعیت، حکومت دینی به مخاطب معرفی می شود. به روایت این فیلم، جمهوری اسلامی نگاهی عقب مانده به همه موضوعات دارد که این مسئله موجب وضعیت بدی در ایران شده است. از نگاه روایت این فیلم، زنانی که به روسپی گری کشیده شده اند به دلیل فقری بوده که مسئولان جمهوری اسلامی در ایران ایجاد کرده اند و اگر این فقر و فلاکت نبود، این زنان به روسپی گری روی نمی آوردند.

دوم. نگاه حکومت به زنان، به عنوان شهروند درجه دو: براساس روایت این فیلم، دستگاه امنیتی و قضایی در ایران به زنان به عنوان شهروند درجه دو نگاه می کند. به شکلی که چندان برای جان آنها ارزشی قائل نیست. به تعبیر روایت این فیلم، حکومت جمهوری اسلامی ایران یک حکومت مرد سالار است که بر درون خانه ماندن زنان و محرومیت آنها از فعالیت اجتماعی تاکید کرد. این فیلم این گونه به مخاطبش القا می کند که مسئولان جمهوری اسلامی خواهان در خانه ماندن زنان و عدم فعالیت آنها هستند.

سوم. حمایت حاکمیت جمهوری اسلامی از خشونت علیه زنان: در روایت این فیلم از واقعه قتل های زنجریه ای مشهد در حدفاصل سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰، تلاش می گردد که مسئولان جمهوری اسلامی را حامی جنایت علیه زنان به مخاطب معرفی کند. براین اساس فیلم سعی دارد این گونه عنوان کند که مسئولان جمهوری اسلامی علاقه ای به اعدام سعید حنایی نداشته اند و به شکلی تحت فشار افکار عمومی مجبور به اعدام شدند. از نگاه این فیلم، سعید حنایی از نزد مسئولان جمهوری کاری مقدس انجام می داده و نباید اعدام می شده است.

چهارم. عامل جنایت نمایاندن دین: در روایت این فیلم تلاش گردیده تا دین اسلام به عنوان ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران، عامل جنایت رخ داده از سوی سعید حنایی به مخاطب معرفی گردد. در واقع این فیلم این گونه عنوان می کند که سعید حنایی یک فرد معتقد به دین اسلام بوده و باورهای دینی انگیزه او برای قتل زنجریه ای زنان بوده است و حکومت دینی هم به شکلی به این

باورها دامن زده و در چنین وضعیتی نقش مهم داشته است.

۸.۵ نسخه ایرانی (The Persian Version, 2023)

فیلم نسخه ایرانی محصول سال ۲۰۲۳ سینمای آمریکا و به کارگردانی مریم کشاورز ساخته شده است. داستان فیلم درباره دختری به نام لیلا است که والدینش سالها پیش از ایران به آمریکا مهاجرت کرده اند. در این بین لیلا بزرگ شده فرهنگ آمریکاست و گرایش های هم جنس گرایانه دارد. او به دلیل داشتن هفت برادر در یک خانواده کاملا مرد سالار بزرگ شده است. خانواده ای که از لحاظ باوری، بخشی از باورهایش آمریکایی و بخشی از باورهایش ایرانی است. لیلا با خانواده خود دچار چالش های زیادی است و دائما با مادرش بر سر مسائل مختلف درگیری دارد. از سوی دیگر به دلیل گرایش های هم جنس گرایانه اش گاهی از سوی خانواده با واکنش های تند روبه رو می شود. پس از مدتی لیلا از طریق مادر بزرگ خود به گذشته پدر و مادرش و آنچه در ایران بر آنها گذشته واقف می شود و این شروع نگاه تازه او به پدرمادرش می باشد. در همین روند، لیلا از دوست پسر آمریکایی اش باردار می شود و همین بارداری هم منشا اتفاقات جدید و تحول در رابطه او و خانواده اش می شود. همزمان با این مسئله پدرش نیازمند به عمل قلب است و کل خانواده درگیر این مسئله هستند که عمل قلب پدر خانواده با موفقیت انجام شود.

درباره آنچه که در فیلم نسخه ایرانی درباره انقلاب اسلامی ایران مطرح می شود می توان به چند مسئله اشاره کرد:

اول. انقلاب اسلامی، عامل آوارگی و مهاجرت ایرانیان: در این فیلم تلاش می شود که به مخاطب القا گردد که انقلاب اسلامی در ایران باعث آوارگی و مهاجرت بسیاری از ایرانیان شده است. به شکلی که ایرانیان زیادی پس از انقلاب اسلامی به دلیل فشارها از سوی حکومت در راستای تغییر سبک زندگی، مجبور به مهاجرت شدند.

دوم. انقلاب ایران، بازگشت به عقب: فیلم در روایت خود سعی دارد این چنین به مخاطب بگوید که روی دادن انقلاب اسلامی در ایران سرآغاز به عقب بازگشتن ایران و پس رفت بوده است و محمدرضاشاه به شکلی در مسیر پیشرفت و مدرن سازی ایران پیش می رفت که پس از انقلاب اسلامی این مسئله متوقف شد و ایران پس از انقلاب اسلامی عقب گرد داشته است.

سوم. تضاد هویتی ایرانیان با انگاره های دنیای مدرن: در روایت این فیلم، به شکلی این مسئله گفته

می شود که ایرانیان به دلیل بزرگ شدن در جامعه مذهبی با ارزشهای جامعه مدرن جهان، همیشه در تناقض هستند. در واقع فیلم سعی دارد این چنین عنوان کند که فضای دینی حاکم شده پس از انقلاب اسلامی در ایران، باعث شده تا مردم ایران در سراسر دنیا نسبت به ارزشهای جهانی دچار تضاد باشند و همین مسئله هم برای آنها مشکل ساز بوده است.

چهارم. ضدیت جمهوری اسلامی با شاد بودن مردم: در فیلم این چنین عنوان می شود که مردم ایران هر زمان که شرایطش فراهم باشد خارج از کنترل حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، شادی می کنند و در هنگام رقص و آواز برپا می کنند. فیلم سعی دارد در این باره به مخاطبش این گونه القا کند که پس از انقلاب اسلامی در ایران، حکومت سعی داشته افسردگی و غم را بر کل جامعه حاکم کند و برای همین هم مردم ایران دچار افسردگی شده اند.

پنج. گسترش خرافه گرایی در ایران به وسیله دین: یکی از موضوعاتی که در این فیلم به طور دائم روی آن تاکید می شود باور داشتن قشر مذهبی به خرافات است. فیلم به شکلی سعی می کند این گزاره را مطرح سازد که باور به امام زمان در جامعه ایرانی مضحک و تمسخر آمیز است. به شکلی که خود روند فیلم هم سعی می کند موضوع امام زمان را به شکل های مختلف مورد تمسخر قرار دهد. از نگاه این فیلم، باورهای مذهبی عامل گسترش خرافات و باورهای بی پایه ای همچون اعتقاد به ظهور امام زمان، در جامعه ایرانی بوده اند و جمهوری اسلامی هم پس از روی کار آمدن در ایران، به این باورهای خرافی دامن زده است.

۶. جدول محصولات رسانه ای مورد بررسی

عنوان فیلم	سال تولید	
گلاب	۲۰۱۴	آمریکا
سپتامبرهای شیراز	۲۰۱۵	آمریکا
بهای آزادی	۲۰۱۷	آمریکا
تهران من تابو	۲۰۱۷	آمریکا
مامور مخفی	۲۰۱۹	فرانسه / آلمان / اسرائیل / آمریکا
تاپ گان ۲	۲۰۲۲	ایالات متحده آمریکا
عنکبوت مقدس	۲۰۲۲	دانمارک / آلمان / سوئد / فرانسه
نسخه ایرانی	۲۰۲۲	آمریکا

۷. بررسی مضامین

در ادامه این مقاله در قالب جدولها به بررسی مضامین پایه و سپس مضامین سازمان دهنده و فراگیر مطرح شده در فیلمها پیرامون تخریب های ارزش های انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت. در ابتدا با توجه به موضوعات مطرح در سکانس ها و محتوای فیلم ها نگاهی به مضامین پایه موجود در آنها خواهیم داشت.

۱.۷. جدول مضامین پایه

ردیف	محتوای بصری فیلم ها	مضمون های پایه
۱	سکانس های مربوط به فشار به شهروندان پس از روی دادن انقلاب اسلامی در فیلم های سپتامبر شیراز، زیر سایه بهای آزادی، تهران من تلو، اپراتور و عنکبوت مقدس	در ایران پس از انقلاب اسلامی همه شهروندان به شکلی از سوی حاکمیت جمهوری مورد تهدید و فشار قرار گرفتند
۲	سکانس های مربوط تلاش های ایران برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی در فیلم های اپراتور، تاپ گان ۲	ایران پس از انقلاب اسلامی در راستای تهدید صلح جهانی به دنبال سلاح کشتار جمعی بوده است
۳	سکانس های مربوط به خشونت ورزی علیه زنان در فیلم های زیر سایه تهران من تلو، عنکبوت مقدس	پس از انقلاب اسلامی زنان در ایران مورد فشار و خشونت ورزی حاکمیت قرار گرفته اند
۴	سکانس های مربوط به مجبور شدن ایرانیان برای مهاجرت در فیلم های سپتامبر شیراز، تهران من تلو، بهای آزادی و نسخه ایرانی	در ایران پس از انقلاب بسیاری از مردم به دلیل شرایطی که حکومت اسلامی فراهم کرده بود مجبور به مهاجرت شدند
۵	سکانس های مربوط به مورد ظلم قرار گرفتن زنان از سوی مردان جمعه ایرانی	بلورهای مردسالارانه حاکم شده پس از انقلاب اسلامی باعث ظلم به زنان در جمعه ایرانی شده
۶	سکانس های مربوط به خشونت ورزی پلیس علیه زنان در تهران من تلو، زیر سایه و عنکبوت مقدس	در داخل خود نظام جمهوری اسلامی تفکر لزوم فشار بر زنان وجود دارد و حکومت از این تفکر حمایت می کند
۷	سکانس های مربوط به فقیر نشان دادن جمعه ایرانی در تهران من تلو، عنکبوت مقدس	جمهوری اسلامی عامل فقیر ماندن جمعه ایرانی است

ردیف	محتوای بصری فیلم ها	مضمون های پایه
۸	سکناس های مربوط به برخورد با روزنامه نگاران در فیلم گلاب و عنکبوت مقدس	جمهوری اسلامی مخالف جریان آزاد اطلاعات و رسانه های مستقل است و آنها را تحت فشار قرار می دهد
۹	محتوای مربوط به ضرب و شتم زندانیان توسط مسئولان زندان ایران در فیلم های گلاب، سپتامبر شیراز	حقوق زندانیان در نظام جمهوری اسلامی نقض می شود
۱۰	سکناس های مربوط به سبک زندگی متفاوت مردم ایران با منویات نظام جمهوری اسلامی در فیلم تهران من تابو، اپراتور، نسخه ایرانی	مردم در ایران ضدیت جدی با سبک زندگی دینی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران دارند
۱۱	صحنه هایی با محتوای پسرفت و عقب مانده شدن ایران پس از انقلاب در فیلم بهای آزادی، سپتامبر شیراز و نسخه ایرانی	انقلاب اسلامی ایران موجب شد تا ایران از مسیر مدرنیزه شدن توسط پهلوی باز بماند و برای همین جمهوری اسلامی عمل عقب مانده شدن ایران است
۱۲	صحنه ها و محتوای مربوط به تمسخر باورهای مذهبی مردم ایران در فیلم های تهران من تابو، عنکبوت مقدس و نسخه ایرانی	بسیاری از باورهای ایرانی ها خرافات است و جمهوری اسلامی عامل ترویج خرافات در ایران محسوب می شود
۱۳	سکناس های مربوط به ضعف سیستم اطلاعاتی ایران در فیلم های مامور مخفی و تاپ گان	حکومت مستقر شده پس از انقلاب اسلامی، در زمینه امنیتی ضعیف است و امنیت ایران را به خطر انداخته است
۱۴	سکناس های مربوط به تاکید حکومت بر باورهای دینی در موضوعات مختلف	دین اسلام در ایران همیشه عامل سرکوب و استفاده حکومت برای تحت فشار قرار دادن مردم به شیوه های مختلف بوده است
۱۵	سکناس های برخورد حاکمیت با روزنامه نگاران در فیلم گلاب و بهای آزادی	اهالی رسانه و روزنامه نگاران در جمهوری اسلامی مورد برخورد حاکمیت قرار می گیرند
۱۶	سکناس های برخورد با حجاب زنان و تحت فشار قرار دادن آنها برای این مسئله	حجاب اجباری وسیله سرکوب زنان در جمهوری اسلامی است

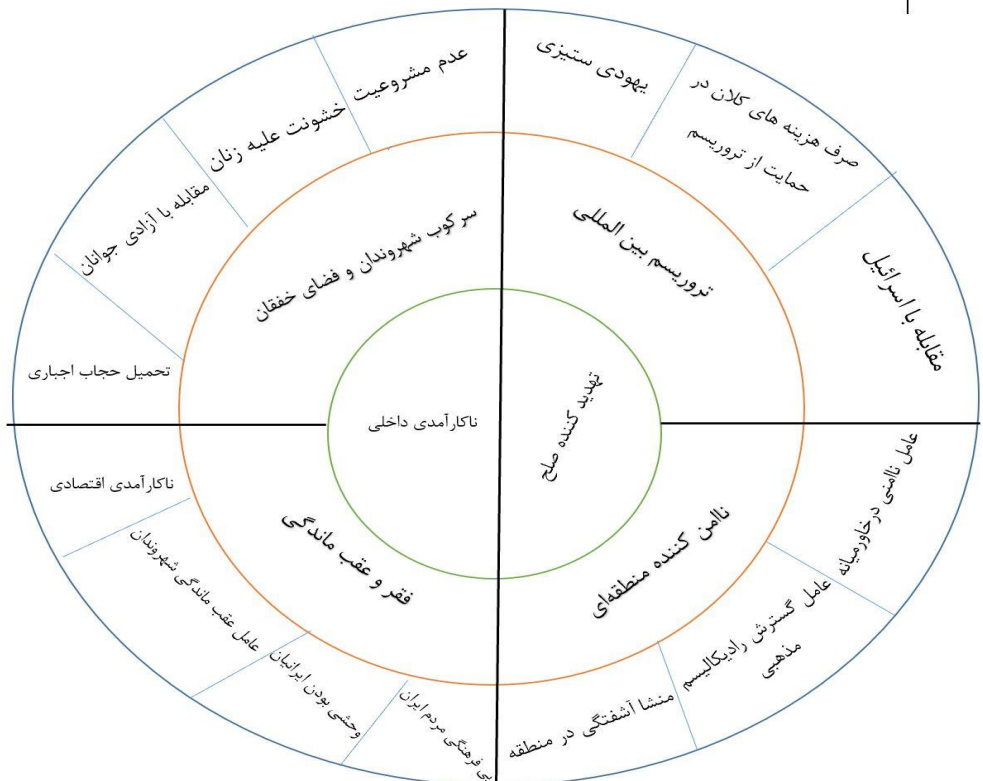
۲.۷. جدول مضامین سازمان دهنده و فراگیر

در این جدول، به بررسی مضامین سازمان دهنده و فراگیر مطرح شده در محصولات رسانه ای خارجی در راستای تخریب ارزشهای انقلاب اسلامی می پردازیم.

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
نظام جمهوری اسلامی یک نظام توتالیتر است	جمهوری اسلامی مخالف جریان آزاد اطلاعات است	روزنامه نگاران در نظام جمهوری اسلامی مورد برخورد حاکمیت قرار می گیرند
		در زمان بحران هایی مثل سال ۸۸، نظام دسترسی به اینترنت را محدود می کند
	جمهوری اسلامی مخالفانش را سرکوب می کند	از منظر جمهوری متفان وابسته به دشمن هستند
		نظام جمهوری اسلامی مخالفان را به رسمیت نمی شناسند
جمهوری اسلامی یک حکومت ضد زن است	سرکوب زنان به شیوه های مختلف از سوی حکومت	حجاب اجباری تحمیلی از سوی حکومت مشکلات زیادی برای زنان ایجاد کرده
		زنان در جمهوری اسلامی شهروند در جه محسوب می شوند
	حمایت مردان ایرانی از رفتارهای جمهوری اسلامی با زنان	در جامعه مردسالار ایرانی زنان مورد ظلم قرار می گیرند
		زنان در جامعه ایرانی از ابتدایی ترین حقوق محروم هستند
جمهوری اسلامی باعث عقب ماندگی همه جانبه ایران شده است	ایران پیش از انقلاب اسلامی بسیار قدرتمند و همگام با جهان بوده است	پهلوی به دنبال مدرن کردن ایران بود
		پس از انقلاب، جمهوری اسلامی با مظاهر جهان مدرن به تقابل پرداخت
	آسیب های انقلاب اسلامی به اقتصاد ایران	پس از انقلاب اسلامی پیرهنگان و فقیران بر امور مسلط شدند پس از انقلاب اسلامی، مردم ایران فقیرتر شدند
جمهوری اسلامی بزرگترین خطر برای صلح جهانی است	تلاش جمهوری برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی	وجود شرکت های واسطه و پوششی برای خرید سلاح های ممنوعه در ایران
		ایران به مخفی کاری هسته ای دسته زده است

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
وجود خرافات در جامعه ایرانی پس از انقلاب	اثرگذاری عامل دین در افزایش فشارها در ایران	نظام دینی عامل فشار و بلبختی برای جامعه ایرانی است
باورهای دینی وسیله ای برای سرکوب جامعه است	پس از انقلاب	
دین عامل قتل زنان بدحجاب است	دین وسیله سرکوب زنان است	
موضوع حجاب زنان ایرانی را آزار می دهد		

۳.۷. نمودار دایره ای مضامین (عناصر تخریب کننده ارزش های انقلاب اسلامی)



نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید تا موضوعات و محورهای مطرح در سینمای سیاسی غرب در نه سال اخیر که در راستای تخریب ارزش‌های انقلاب اسلامی مطرح شده، مورد بررسی قرار گیرد. محورهایی که هر کدام ارزش‌های مختلف مطرح در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران را مورد هدف قرار داده و آن را در ذهن مخاطب جهانی که تماشاکننده این محصولات و فیلم‌ها است تخریب می‌کند. به واقع مجموعه این محورها علاوه بر تخریب از انقلاب اسلامی ایران یک تصویر جهانی هم در ذهن مخاطب می‌سازد و سعی می‌کند یک تصویر مبتنی بر خواست غرب از انقلاب اسلامی ایران و نظام مستقر پس از آن، به مخاطب جهانی ارائه دهد. تصویری که در کنار ایجاد یک نگاه بدبینانه به انقلاب اسلامی می‌تواند توجیه‌گر فشارها و تحریم‌های بیشتر علیه ایران هم باشد.

از منظر این مقاله، محورهای قابل توجهی در فیلم‌های سینمای غرب در حداثی سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۳ در سینمای غرب درباره ایران مطرح شده است. محورهای مختلفی که هر کدام سعی می‌کند پیامی درباره جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی و خود نظام جمهوری اسلامی به مخاطب جهانی ارائه دهد. در موضوع تهدید‌نمایی ایران برای صلح جهانی بر مسئله تلاش‌های ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و پنهان کردن این مسئله تاکید شده است. در پس بیان متعدد این گزاره، القای این مسئله نهفته است که انقلاب اسلامی در ایران از ایران یک کشور حامی تروریست و کشتار در جهان ساخته است. براساس یافته‌های این مقاله، در فیلم‌های غربی نظام جمهوری اسلامی، یک نظام حامی برخورد با رسانه‌ها و متقدمان و ایجاد فشار برای محدود کردن جریان آزاد اطلاعات معرفی می‌شود. همچنین در موضوع زنان، تلاش شده تا انقلاب اسلامی را نقطه شروعی برای سلب آزادی‌ها و خوشبختی زنان به تصویر بکشاند. و در این راه ایران پس از انقلاب اسلامی را جامعه‌ای مردسالار معرفی کنند که حقوق زنان را به شکل‌های مختلف نقض می‌کند و زنان را شهروند درجه دو می‌داند. در موضوع اقتصادی، ایران پس از انقلاب در فیلم‌های سینمای سیاسی غرب، یک کشور عقب‌مانده معرفی می‌شود که پسرفت کرده است. عامل اصلی این پسرفت هم انقلاب اسلامی توصیف گردیده که باعث شده ایران به روایت این فیلم‌ها از مدرن‌سازی دوران پهلوی دور گردد و از چرخه توسعه جهانی عقب بیفتند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که یکی از محورهای

مهم دیگر مطرح در این فیلم ها تاکید بر تاثیر عنصر دین در گسترش خرافات و عقب ماندگی جامعه ایرانی و توجیه گر خشونت است. به شکلی که سعی شده به مخالف این گونه القا گردد که دین اسلام در این سالها به خرافات در جامعه ایرانی دامن زده است و همین خرافات هم باعث عقب ماندگی جامعه ایرانی در موضوعات مختلف شده است.

در کنار تمام محورها و موضوعات مطرح شده در سینمای غرب که هر کدام از این محورها ارزش های نظام جمهوری اسلامی را مورد تخریب قرار داده باید به این مسئله توجه داشت که این تخریب ارزشها همراه با ارائه یک تصویر برساخته بر طبق تمایلات سیاستمداران از انقلاب اسلامی بوده است. در واقع در تمام این فیلم ها، ارزشهای مطرح در فرآیند انقلاب اسلامی و بیان شده از سوی نظام مستقر پس از انقلاب، به طور کلی کنار گذاشته شده است و یک تصویر جدید همراه با نشانه های منفی در تمام ابعاد به مخاطب درباره انقلاب اسلامی ایران ارائه می گردد. موضوعی که در نهایت منجر به ایجاد اجماع جهانی در میان افکار عمومی بر علیه نظام سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی می شود و به شکلی ابزاری است که فشارها علیه ایران را در ذهن شهروندان در سراسر جهان منطقی می سازد.

فهرست منابع:

- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱). خوشرفتاری با زنان (نفی خشونت علیه زنان). تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۲) دیپلماسی عمومی، تأمین منافع ملی از طریق اطلاع رسانی، تهران: فصلنامه چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲
- احمدوند، شجاع (۱۳۸۵). رویکرد نظری به مفهوم بنیادگرایی (با تاکید بر بنیادگرایی یهودی). پژوهشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره دوم. بهار
- الهی، الهیار (۱۳۹۲) سینمای سیاسی و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پس از ۱۱ سپتامبر. دانشنامه حقوق و سیاست. شماره ۲۰. پاییز و زمستان
- ایمانی، محمد تقی (۱۳۸۸)، مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم،

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵) اصول روش تحقیق کیفی، ترجمه بیوک محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 اوسولیوان، تام. هارتلی، جان، ساندرز، دانی و جان فیسک (۱۳۸۵)، مفاهیم کلیدی ارتباطات. ترجمه میرحسن رئیس زاده. انتشارات فصل نو. دی ۱۳۸۵
 بابایی، غلامرضا (۱۳۸۰) فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، چاپ اول، نشر سفیر
 بصیری، محمد علی (۱۳۸۲) مردم سالاری دینی از منظر امام علی (ع)، سروش اندیشه، سال دوم، شماره ۷ و ۸.

بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی
 پارسونز، وین (۱۳۸۵) مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد اول
 جمشیدی، احمد (۱۳۷۹). بررسی تأثیر انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ بر روی مطبوعات شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، فلسفه تعلیم و تربیت. دانشگاه شیراز
 خرمی، فاسم (۱۳۸۲) اطلاع‌رسانی و کتابداری « روابط عمومی، شماره ۲۷
 دادگران، سید محمد (۱۳۸۵) افکار عمومی و معیارهای سنجش آن، مروارید، تهران
 دیرینگ، جیمز و راجرز اورت (۱۳۸۵) مبانی برجسته‌سازی رسانه‌ها، ترجمه ی علی اصغر کیا و مهدی رشکیانی، تهران: شرکت تعاونی سازمان معین ادارات
 سروی زرگر، محمد؛ مترجم، نظریه‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی ارتباطات
 سورین، ورنر جوزف؛ تانکارد، جیمز (۱۳۹۳). نظریه‌های ارتباطات. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن؛ فقیهی، ابوالحسن: «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». دراندیشه مدیریت راهبردی،

صدوقی، مجید (۱۳۸۶) پژوهش کیفی در روانشناسی و علوم رفتاری، تهران، هستی نما
 عابدی، حیدر علی (۱۳۸۵) تحقیقات کیفی، حوزه و دانشگاه. سال دوازدهم، ش ۴۷. تابستان

- کنبی، مرتضی (۱۳۷۶)؛ افکار عمومی، نیروی سیاسی کم‌شناخته؛ فصلنامه رسانه سال هشتم؛ شماره ۲
 کیت نش؛ آلن اسکات(۱۴۰۰)، راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی /؛ ترجمه محمدعلی قاسمی؛
 قدیر نصری - نشر پژوهشکده مطالعات راهبرد
 کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۲): قدرت و هویت،
 ترجمه حسن چاوشیان. تهران، طرح نو
 کرلینجر، فرد (۱۳۸۰) مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی
 زند، تهران، آوای نور
 لازار، ژودیت (۱۳۸۵) افکار عمومی، مرتضی کنبی، تهران، انتشارات نی
 مک کوایل، دنیس؛ وسایل ارتباط جمعی، پرویز اجلالی، تهران، دفتر مطالعه و توسعه رسانه ها، ۱
 ۳۸۵، ۳۸۸.
 مک هنری، پاول (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه. ترجمه توسط مسعود محمدی. تهران: موسسه
 چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 متولی، کاظم (۱۳۸۴) افکار عمومی و شیوه‌های افق، انتشارات بهجت، تهران
 نصر، احمد رضا و فریدون شریفیان (۱۳۸۶). «رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی در پژوهش‌های-
 تربیتی» حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۲
 نوشادی، محمود رضا (۱۳۸۶) چگونگی طرح هویت ملی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم
 دبستان و سوم راهنمایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، زمستان
 ویندال، سون؛ بنوسیگانیز و جین اولسون (۱۳۹۷) کاربرد نظریه‌های ارتباطات. ترجمه
 علیرضا دهقان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

Stirling-Attride(2001). An Analytic Tool for Qualitative :Networks
 Thematic. Research Qualitative "Research .
 Allison ,Carter(1998) -self ,Temporality :On constructing trust", Weber
 The International Journal of Sociology and , "taking-perspective and
 ,disclosure . Policy Social.79.
 Nye, Joseph S (2007), "Notes on a Soft Power Research Agenda",
 Power
 in World Politics, Ed. Felix Berenskoetter and M. J. Williams,

Routledge.

R ,Hardin(1993). Politics and society , "level epistemology of trust-street

Baran, Stanely J. & Dennis K. Davis (2012), Mass Communication Theory: Foundations, Ferment and.

Future. Boston: Wadsworth Cengage Learning (sixth ed).

BDS Movement. URL available at <https://bdsmovement.net>; accessed at Aug 4, 2016.

Friends of Israel (2014), ADDED VALUE: Israels Strategic Worth to the European Union and its

Franklin, Daniel.(2006). Politics and Film: The Political Culture of Film in the United States. ROWMAN & LITTLEFIELD PUBL

Member states; URL at [http://henryjacksonsociety.org/wp-](http://henryjacksonsociety.org/wp-content/uploads/2014/02/HJS-FOI-IsraelsStrategic-Worth.pdf)

content/uploads/2014/02/HJS-FOI-IsraelsStrategic-Worth.pdf; accessed at Jan 12, 2017